

مواضع اسرائیل در قبال بحران خاور نزدیک و خلیج فارس

متحدہ آمریکا و ہم پیمانانش بہ گونہ ای فزاینده حضور نظامی خود را در منطقہ تشدید می کرد و اوضاع دم بہ دم حادثہر و انفجار آمیزتر می گردید، محافل حاکمہ اسرائیل بازرنظر داشتن تحولات منطقہ، سیاست سکوت را پیشہ کرده بودند. ولی رقتہ رقتہ با افزایش تلاش های میانیگیرانہ، بویژہ از سوی سازمان ملل متحد، اسرائیل نیز تاکتیک خود را تغییر داد تا

ادامہ در ص ۵

بدنبال تجاوز عراق بہ کویت و اشغال خاک این کشور مستقل و دارای حق حاکمیت، صہیونیستها با اینای نقش تحریک آمیز و آتش بیار ممرکہ، بہ اشکال گوناگون تلاش می ورزند حداکثر بهره برداری را بہ سود خود بہ عمل آورند.

اسرائیل در ہر مرحلہ از بحران، ہمخوان با منافع خود تاکتیک خاصی را اتخاذ کردہ است. در مرحلہ نخست بحران کہ ایالات



شمارہ ۳۳۱، دورہ ہشتم،
سال ہفتم، ۱۰ مهر ۱۳۶۹

اختیارات تام برای گذار به اقتصاد بازار

شورای عالی اتحاد شوروی بحث پیرامون برنامه های گذار بہ اقتصاد بازار را بہ پایان رساند. اخبار منتشرہ نشانگر آن است کہ هیچ یک از برنامه های ارائه شدہ، نہ برنامه دولت و نہ برنامه ریاست جمهوری، نتوانستند اکثریت آراء را بہ دست آورند. شورای عالی بار دیگر بخشی از اختیارات خود را بہ میخائیل گارباچف، رئیس جمهوری اتحاد شوروی واگذار کرد تا طی یک سال و نیم آیندہ بدون مشورت قبلی با پارلمان شوروی، روند گذار بہ بازار را سازمان دہد. بہ ریاست جمهوری اختیارات تام دادہ شدہ تا در راہ استقرار ثبات سیاسی - اقتصادی تلاش کند.

موضع میخائیل گارباچف نسبت بہ مسائل طرح شدہ در پارلمان چگونه است؟ پاسخ بہ این پرسش، را می توان از متن یکی از سخنرانی های وی در پارلمان دریافت کرد.

بہ باور من، بحث های طولانی در کمیٹہ ها و نشست های شورای عالی بازتاب واقعی چگونگی افکار در جامعہ ما و نگرانی مردم است. این زاینده وضع واقعی ہم سیاسی و ہم اجتماعی - اقتصادی و نیز درک گوناگون از بازار و چگونگی نزدیکی بہ آن و اینکه بازار برای ہر انسان و مجموعہ کشور چہ معنایی را خواهد داشت، دربرمی گیرد. باتوجہ بہ آنچه گفتیم این بحث را من سیاسی تلقی می کنم و ہرگونہ کنایہ و مقایسہ احساسی را کنار می گذارم. لزومی ندارد گفتہ شود کہ اجلاسہ بسیار ہرمنسویبت است. در اینجا جای آن دارد کہ کلمہ انتخاب را کہ کمتر از آن یاد می کنیم خاطر نشان سازیم. ما، جامعہ خود را در مهمترین عرصہ، تعیین کنندہ عرصہ های آتی و شیوہ زندگی چگونه اصلاح خواهیم کرد، اتحاد ما، اخلاق و مجموعہ مناسبات انسانی ما چگونه خواهد بود؟ بار دیگر

ادامہ در ص ۷

رویدادهای منطقہ

و فرصت طلبی های سیاسی جمهوری اسلامی

خودکامہ در افکار عمومی، آنها را بیش از پیش بہ دوستی و اتخاذ مواضع یکسان در بسیاری عرصہ ها واداشته است.

اما مسئلہ این است کہ برای سران جمهوری اسلامی بویژہ "میانہ روہا" کہ از مقطع پذیرش آتش بس و بخصوص پس از مرگ خمینی بہ نفی تدریجی سیاست ورشکستہ "صدور انقلاب اسلامی" دست زدہ اند و خشم تندروہا را برانگیختہ اند، اکنون بازگشت بہ این سیاست کار سادہ ای نیست. بہ همین دلیل تمہیدات تبلیغاتی در این زمینہ شدت گرفته است. توجیہ مناسبات ستوال برانگیز یا رژیم عراق از یک سو و بهره برداری از تمایلات تندروہا در نیروہای مسلح بویژہ سپاہ و بسیج از سوی دیگر، از جملہ این تمہیدات است.

ادامہ در ص ۲

در شرایط بحرانی منطقہ خلیج فارس، گردانندگان جمهوری اسلامی می کوشند با بهره برداری از بفرنجی اوضاع و تضادہای موجود در منطقہ، بحران ساختاری و مضللات جامعہ را تحت الشماع مسائل خارجی قرار دهند و اذہان را از مبارزہ علیہ رژیم منحرف سازند. راہ انداختن کارزار تبلیغاتی جدیدی یا مضمون سیاست "صدور انقلاب اسلامی" نمونہ ای از این تلاشہاست. در این زمینہ رژیم عراق و سیاست پردازان رژیم "ولایت فقیہ" هدف های مشترکی را دنبال می کنند.

اعلام "جہاد مقدس علیہ آمریکا" از سوی ہر دو رژیم در حالی است کہ ہم جنگ ایران و عراق و ہم اشغال کویت توسط عراق خود زمینہ ساز لشکر کشی آمریکا بہ منطقہ بودہ است. با این حال، انزوای فزاینده ہر دو حکومت

نیازهای اسرای آزاد شدہ

و وعده وعیدہای بی پشتوانہ، دولت

در زندگی روزمرہ رویرو هستند. آنان بدون مرہم گذاری بر زخمہایشان، گرہ گشائی مسائل زیستی در عرصہ های مختلف شغلی، تحصیلی و خانوادگی و نیز برآوری یک رشتہ نیازہای اجتماعی و اقتصادی شان نمی توانند فصل تازہ زندگی خود را آغاز کنند.

باید توجہ داشت کہ ہر محیط اسارتگاہہای ایران و عراق مناسبات بہ راستی غیرانسانی فرمانروا بودہ است. اسیران ہموارہ در مرض انواع شکنجہ های جسمی و روحی قرار داشتہ اند. از این رو، قلع نظر از عوارض سوہ روانی و عاطفی اسارت، اندک

ادامہ در ص ۶

دربی مبادلہ اسرای جنگی، دہہا ہزار اسیر ایرانی بہ آغوش میہن و خانوادہ خود بازگشتہ اند. اسرای آزادشدہ کہ ہر یک سال ہائی از عمر را در اردوگاہہای عراق بسر بردہ اند، ہم اکنون با زخم های پرشماری برجسم و جان و انبوی از مشکلات و مسائل

یادوارہ و فقیہ شہید

مہرداد دستگیر

ص ۴

زندہ باد آزادی و صلح ، طرد باد رژیم "ولایت فقیہ" !

رویدادهای منطقه و ...

رقتنجانی که از مقطع پذیرش آتش بس از سوی رژیم خود را پرچمدار صلح خواهی و مخالف با جنگ طلبی خمینی معرفی می کرد، هم اکنون ستاروی جدیدی را در این رابطه ارائه می دهد. وی در نماز جمعه تهران مدعی می شود: "تصمیم امام بر این بود که جنگ متوقف شود، که ما وارد مرحله مذاکرات برای اجرای قطعنامه شدیم و نتیجه اش این شد که الان می بینید جمهوری اسلامی پیروز شده است! مواضع ما در دفاع، مقابله به مثل، در پذیرش قطعنامه و مقاومت در مذاکرات و مکاتبات روی حساب بوده است."

بدین ترتیب، از نظر آقای رقتنجانی وادارشدن خمینی به پذیرش آتش بس که خود وی آن را نوشیدن جام زهر نامید، چیزی جز یک تاکتیک حساب شده برای نوشیدن شهد پیروزی نبوده است! رقتنجانی سپس عوامل این به اصطلاح پیروزی را مطابق نرخ روز چنین برمی شمرد: "مدیریت کم سابقه و مجزه گر امام... و مدیریت بسیار خردمندانه رهبر معظم (خامنه ای)".

و اما جلوه دیگری از بهره برداری سران رژیم از رویدادهای منطقه سرپوش نهادن بر اختلافات و تضادهای درون نیروهای مسلح است. خامنه ای که قبل از مرگ خمینی و در گرماگرم جنگ قدرت بر جانشینی او در برقراری روابط تنگاتنگ با ارتش می کوشید، اکنون از موضع "رهبر نظام" به تعریف و تمجید از سپاه روی می آورد و پاسداران را از گروه بندی و اختلافات جناحی برحذر می دارد. او در پیامی به مناسبت سومین مجمع سالانه فرماندهان سپاه، بر ضرورت اجتناب از خط بازیهای سیاسی، واجب بودن اطاعت از دستور مافوق، پذیرش سلسله مراتب بر اساس تشخیص فرمانده و هماهنگی کامل با ارتش تاکید می کند. وی سپس مدال "مسئولیت حفاظت از انقلاب و کشور را" به سینه پاسداران می چسباند و سراب تشکیل و تربیت ارتش بیست میلیونی را برایشان تصویر می کند. خامنه ای همه این موعظه ها را با اشاره به بحران منطقه و چشم انداز "جهادی دیگر در راه خدا" انجام می دهد.

اما، اکنون کمتر سپاهی یا ارتشی ای می توان دید که نداند بحران درونی نیروهای مسلح و دسته بندیهای درون سپاه نتیجه بحران ماهوی نظام و زاده جناح بندیها در رأس هرم حکومتی است و با موعظه و مانورهای تبلیغاتی نمی توان آن را چاره کرد.

مجموعه کارزار تبلیغاتی ای که سران جمهوری اسلامی در این روزها به راه انداخته اند، هدف واحدی را دنبال می کند و آن تخفیف بحران ساختاری رژیم با اتکاء به قلب حقایق مربوط به رویدادهای منطقه است. اما تجربه جنگ هشت ساله ایران و عراق نشان داد که یک حکومت استبدادی و جدا از مردم نخواهد توانست با حربه تبلیغ و تهییج برای مدتی طولانی خلاف سیر واقعیات زندگی حرکت کند و همه را برای همیشه بفریبد. سرنوشت موج تازه سیاست "صدور انقلاب اسلامی" که گردانندگان رژیم به راه انداخته اند جز این نخواهد بود.

آمادگی برای جنگ

صدام حسین، رئیس جمهور عراق، علیرغم فراخوان جامه بشری درباره بیرون بردن نیروهای نظامی از کویت، طی یک سخنرانی از مردم خواست تا آماده جنگ شوند. شورای فرماندهی انقلابی عراق طی بیانیه ای با کلمات و جملات بسیار خشن آشکارا هرگونه عقب نشینی در برابر فشار نیروهای مسلح ایالات متحده را رد کرده است. در بیانیه خاطرنشان گردیده که نیروهای مسلح خارجی متمرکز در منطقه بزرگترین نیرو پس از جنگ ویتنام است. بیانیه از ۱۸ میلیون ساکنان عراق می خواهد که خود را برای نبرد بزرگی آماده کنند.

صدام حسین در یک مصاحبه با خبرنگار "ملیت" چاپ ترکیه از جمله گفت:

"ما ۸ سال جنگندیم و اگر هم ضرور باشد باز هم ۳، ۵، ۶ سال دیگر و حتی بیشتر خواهیم جنگید... ما از آنهایی نیستیم که در مقابل تهدید پوزه به خاک بمالیم... اگر کسانی می خواهند که ما سرتعظیم در مقابلشان فرود آوریم، در آن صورت ما می دانیم که چگونه قبل از به خاک افتادن سرانمان را از بدن جدا کنیم."

از سوی دیگر، وزیر اطلاعات عراق در گفتگو با روزنامه نگار اردنی اظهار داشت که در صورت حمله به عراق آن کشور کلیه معادن و موسسات نفتی در خلیج فارس را نابود خواهد کرد. به گفته وی عراق برای انجام این کار دارای وسایل لازم است. وزیر عراق و همچنین گفت که هدف عبارت است از آزادی فلسطین و این ققط از طریق جهاد امکان پذیر است.

در جستجوی

"راه حل عربی"

معضل خاور نزدیک

در ریاض، پایتخت مراکش، روسای سه کشور عربی تشکیل جلسه دادند. سلطان حسن دوم، پادشاه مراکش، بن جدید، رئیس جمهور الجزایر و ملک حسین "پادشاه اردن" در این جلسه شرکت داشتند. اخبار منتشره حاکیست که سران سه کشور عربی در صددند "راه حل عربی" معضل خاور نزدیک را ارائه دهند.

افزون بر این، عبدالشیر، رهبر سودان با پاسرعارفات ملاقات کرد. در این مورد نیز هدف عبارت بود از پیدا کردن راه خروج از بن بست.

محافل سیاسی عربی معتقدند که

ابتکار جدید، خروج نیروهای مسلح عراق از کویت و در همان حال خروج همه نیروهای مسلح آمریکا به کشورهای اروپای غربی از منطقه خلیج فارس را در نظر می گیرد. به موجب این نقشه کویت باید جزایر وریه و بویان را به عراق واگذار کند و به ناوگان نیروی دریایی عراق حق استفاده از آب های ساحلی آن کشور را بدهد. علاوه بر این جابراالصباح امیرکویت، باید از حاکمیت دست بردارد و مردم کویت رهبر جدید را آزادانه انتخاب کنند.

مین گذاری
موسسات نفتی

رشید سالم العامری، وزیر نفت کویت، اظهار داشت که ارتش اشغالی عراق کلیه معادن نفت و نیز پالایشگاههای نفت کویت را مین گذاری کرده است. آنها همه موسسات اقتصادی کویت را غارت می کنند.

در صورت
عملیات نظامی...

روزنامه "واشنگتن پست" می نویسد: گروهی از افسران ارتش آمریکا و سپاه تفنگداران دریایی نقشه عملیات نظامی ای را آماده کرده اند که در صورت آغاز جنگ در منطقه بحران پیاده خواهد شد. طبق این نقشه وارد آوردن ضربه به خاک عراق از چهار سمت صورت خواهد گرفت. ارتش آمریکا صحرائی اردن و کوههای مرزی ترکیه را برای نزدیک شدن به عراق پشت سر خواهند گذارد. به گفته این افسران که از افشای نامشان خودداری کرده اند، هدف این مانور خنثی ساختن نیروی ۱۴۰ هزارتن افراد زیده گارد صدام حسین و جلوگیری از حرکت آنها به طرف کویت است که عملیات جنگی بطور عمده در آنجا روی خواهد داد.

محاصره هوایی

پنج کشور عضو ثابت شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهان محاصره هوایی عراق شدند. آنها طرح قطعنامه ای را آماده ساخته اند که به موجب آن تقریباً کلیه حمل و نقل هوایی به عراق به استثناء حمل دارو و مواد غذایی قدغن خواهد شد. در قطعنامه همچنین فرود آمدن هواپیماهای عراقی در فرودگاههای دیگر کشورها تحریم می شود.

"انتخابات" مجلس خبرگان؛ تشدید اختلاف درون حکومتی

جناح معین با تکیه بر سرنیزه، نه تنها تامین کننده ثبات برای رژیم نیست، بلکه بحران ساختاری آن را شدت می بخشد. مبارزه ای که طی این سالها در درون حاکمیت جریان داشته و دارد، مبارزه بر سر قدرت است و ریشه در گوناگونی پایگاه اجتماعی و تضاد منافع هر یک از این گروه بندیها دارد. تشدید این اختلافات و اعمال شیوه های تصفیه و سرکوب نسبت به مخالفان در درون و پیرامون حاکمیت (علاوه بر سرکوب خونین نیروهای اپوزیسیون) نیز تاکنون گذشته از گسترش بحران درونی رژیم، آسیب های بزرگی متوجه جامعه کرده است. این شیوه اداره حکومت و کشور که همچنان ادامه دارد، نه تنها به تضادهای درونی رژیم پایان نمی دهد، بلکه بحران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را هم باز تشدید می کند. اساسا نظامی که نتواند با اتکاء بر پلورالیسم سیاسی مخالفان خود را تحمل کند و راه رشد اقتصادی - اجتماعی دموکراتیکی را با شرکت همه نیروهای اجتماعی نمایندگان سیاسی آنها برای ساختمان جامعه نوین در پیش گیرد، محکوم به بحران ژرف و سرانجام فروپاشی است.

واقعیات کنونی باز هم درستی سیاست حزب توده ایران در ارتباط با طرد رژیم "ولایت قتیبه" به عنوان پیش شرط و حلقه اصلی هرگونه تحول دموکراتیک در جامعه را تأیید می کند. تا زمانی که چنین دگرگونی بنیادی در ساختار حکومتی صورت نگیرد، باز هم در برهمن پاشنه خواهد چرخید و به قول نماینده مجلس تصفیه درونی، نه تنها در راس هرم حکومتی، که تا عمق روستاها نیز پیش خواهد رفت. این خصلت نظام خودکامه ای است که کمترین اعتقادی به دموکراسی و شرکت مردم در اداره امور جامعه ندارد.

کرده بود می گوید: "مسئله دیگر انتخابات مجلس خبرگان است که مورد مخالفت بسیاری از افراد است. اما آدم را خفه می کنند اگر حرفی بزنند" (کیهان ۶۹/۵/۳) و نماینده نیشابور در همین رابطه از شدت تصفیه جناحی می نالد و می گوید: "امروز نباید به این موضوع کم بهاء داده شود و برداشتن نیروها به راحتی انجام گیرد، تا جایی که معاون محترم وزیر با اقتضای بگوید وقتی که دولت عوض شده بایستی جایجایی هائی باشد... آخر جایجایی تا چه حد؟ آیا تا عمق روستاها نیز بایستی مدیریت ها جایجا شوند؟" (همان جا).

کارزار بر سر گسترش تصفیه ها در آستانه "انتخابات" مجلس خبرگان تا آنجا بالاگرفت که هفته گذشته خامنه ای مجبور شد باردیگر در قبال اعتراض تندروها، تغییر آئین نامه انتخابات مجلس خبرگان را تأکید کند و مخالفان خود را تهدید. خزعلی یکی از اعضای شورای نگهبان، نیز هشدار داد که: "هرکس به مقام رهبری توهین کند در گناه و فسق به سر می برد" و در مورد "انتخابات" خبرگان گفت: "مردم باید افرادی را انتخاب کنند که پیرو ولی قتیبه هستند".

اما تجربه ۱۱ سال حاکمیت جمهوری اسلامی این حقیقت را به اثبات رسانده است که تصفیه مخالفان و انحصار قدرت در دست یک

"انتخابات" مجلس خبرگان نزدیک است. برهمگان روشن است که انتخابات در جمهوری اسلامی چه مفهومی دارد و کارگزاران رژیم چه هدف هائی را در برهائی چنین نمایشائی دنبال می کنند. اما آنچه در این رابطه قابل توجه است تجلی ابعاد وسیع تری از بحران ساختاری رژیم "ولایت قتیبه" در سحنه چنین نمایشائی است. "انتخابات" مجلس خبرگان از آن جمله است.

به موقع خود در این باره نوشته ایم که تغییر آئین نامه انتخابات این مجلس در نشست ویژه اخیر آن، که حق تعیین صلاحیت کاندیداها را از مدرسین حوزه های علمیه به شورای نگهبان منتقل کرد، با توجه به اینکه "ولی قتیبه" در تعیین ترکیب شورای نگهبان نقش قاطع دارد، به معنای انحصار باز هم بیشتر قدرت در دست گروه بندی مسلط در حاکمیت و تصفیه باز هم بیشتر رقبا در کشمکش جناحی است. محتشمی از جناح تندرو این اقدام را یک جناحی کردن مجلس خبرگان توسط ائتلاف رفسنجانی - خامنه ای ارزیابی کرده بود. اکنون بازتاب علنی این تشدید اختلاف درون حکومتی در سخنان خود مستولان رژیم و در مطبوعات مجاز کشور آشکارتر از پیش به چشم می خورد. در همین رابطه نماینده بیرجند در مجلس ضمن اعتراض به توهین آشکار روزنامه رسالت به محتشمی که آذری قمی نیز از آن حمایت

چرا "مسجدها ،

گاهی به صورت ناراحت کننده و دردآوری

خلوت است؟"

جانماز آبکشی به پول و مقام برسند، هیچگاه در پشت سر امامان جماعت دورو و ریاکاری که زبانشان جز در تأیید رژیم بازمی شود، نماز نخواهند گذارد.

کاسته شدن شمار شرکت کنندگان در نماز جمعه و جماعات از جمله بازتاب افزایش آگاهی اجتماعی توده های مردم نیز هست. مردم بیش از پیش درمی یابند که این رژیم با درآمیختن مذهب با سیاست نمی تواند حتی به ابتدائی ترین خواست های مادی و معنوی شان پاسخ بگوید و دیر یا زود باید جای خود را به یک رژیم دموکراتیک بدهد.

پیشبرد سیاست آزادی کشانه حکام جمهوری اسلامی قرارگیرد، بیش از پیش از شرکت در آئین های نمایشی ای که رژیم برپا می کند، سرباز می زنند. کم نیستند مسلمانانی که اسلام را در مقام یک آئین و ایدئولوژی در خدمت تامین عدل و داد، آزادی و آزادی انسان می بینند و نمی خواهند با تظاهر و

عمل آورد، یکی از جلوه های بروز ناخشنودی و اعتراض توده ها نسبت به رژیم ضد مردمی و ضد دموکراتیک "ولایت قتیبه" است. مسلمانانی که به اسلام به عنوان یک امر وجدانی و برای غنابخشیدن به زندگی معنوی خود باور دارند و نمی خواهند باورهای صادقانه مذهبی شان وسیله ای برای

"باهمه پاداشها و آثاری که برای نمازجماعت وجود دارد، برخی از این فیض بزرگ محرومند و باتاسف شاهدیم که بسیاری، به آن بی اعتنا و کم رغبت اند و حتی در همسایگی مسجد بسر می برند، ولی در نمازجماعت مسلمین حاضر نمی شوند و مسجدها، گاهی به صورت ناراحت کننده و دردآوری خلوت است" (از سلسله مقالات پیرامون نمازجمعه - کیهان ۶۹/۵/۱۵).

حضور اندک مردم در آئین های مذهبی از جمله در نمازجماعت که رژیم تلاش می ورزد از آنها بهره برداری سیاسی به سود خویش به

در این رشته پذیرفته نشده ۴، ۵ پون بیشتر فاصله نیست و حداقل مدتی که بچه ها پشت کنکور آن می مانند، آنطور که من تا کنون دیده ام کمتر از سه سال نیست. آن هم برای نوابخش. دانشگاه آزاد هم که باید یک کامیون پول داشت. حساب کردم ماهی ۱۲ هزار تومان فقط شهریه اش می شد، لایه ۵ تا ۶ هزار تومان هم خرج های دیگر، خلاصه بنده نمی توانستم همچین درآمدی داشته باشم. کلا شهریه اش از اول تا آخر، نزدیک به ۵۰۰ هزار تومان بود. گفتم فعلا از خیرش بگذرم. با اجازه تان در ... قبول شدم. رشته خوبی است، درس هایش را دوست دارم. شهریه اش نیز تا پایان چهار سال کلا حدود ۵۰ هزار تومان می شود.

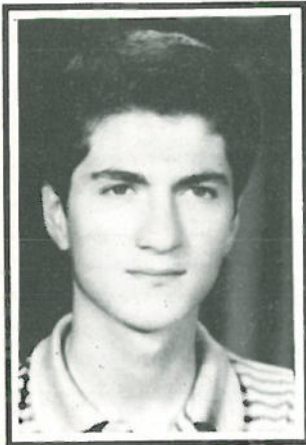
از یک نامه

از اینکه مرا آنقدر برای نوشتن تشویق کردید خیلی ممنوم. شما همگی راست گفتید. نیاز ما به پزشک خیلی زیاد است. در این زمینه ما امروزه نه قط از قرا که از مسکین شهره آفاقیم. اما در جمع بندیها خلاصه به این نتیجه رسیدیم که فعلا امکانش برای من نیست. برای کنکور دانشگاه های ملی که با باید جادوگر بود یا شنبه باز. بلد بودن چهارتا کتاب نیست، بلکه مسئله مسابقه بین ۷۰۰ هزار نفر است. معمولا بین نفر اول پذیرفته شدگان رشته پزشکی با نفر آخری که

یادواره رفیقی شهید مهرداد دستگیر

پرشور و خستگی ناپذیر

در مبارزه



می شود. در کمیته از او می خواهند تا تعهد بدهد که دیگر آذرخش نفروشد. ولی چون او تن به پذیرش این خواست غیرقانونی پاسدارها نمی دهد، او را به زندان "اوین" منتقل می کنند. در زندان "اوین" نیز مرتب مورد آزار و شکنجه قرار می گیرد تا تعهد بسپارد، ولی او سر تسلیم فرود نمی آورد. مهرداد در بازجویی ها، سرسختانه از مواضع حزب و آرمانهای انسانی خود به دفاع می پردازد که این امر خشم و کینه حیوانی دژخیمان جمهوری اسلامی را برمی انگیزد.

در زندان رفقای دیگری مانند حسین خان باباپور و راستا نیز وجود داشتند که در سن ۱۶-۱۷ سالگی به خاطر فروش نشریه و یا چسباندن تراکت و بدون هیچ مجوز قانونی دستگیر شده بودند. هیچ کدام از آنها حکمی از

وقتی جلادان جمهوری اسلامی سنگدلاقی سرپرشور رفیق مهرداد دستگیر را به بالای دار فرستادند، او ۲۴ سال بیشتر نداشت. که ۶ سال از این عمر کوتاه را نیز در دخمه های جهنمی خمینی در شرایط دشوار شکنجه و محرومیت گذرانده بود. اگر قلب پرمهر و صفای این انسان تیزهوش و شجاع را در عنوان جوانی از تپش باز نمی داشتند، او با تمامی استعداد و خلاقیتش می توانست دهها سال فداکارانه خدمتگذار انسان باشد.

رفیق مهرداد دستگیر، شاگرد ممتاز چهارم نظری و عضو سازمان جوانان حزب توده ایران بود. او در اردیبهشت ماه ۶۱ هنگام فروش نشریه آذرخش، ارگان کانون دانش آموزان ایران، به وسیله پاسداران کمیته دستگیر

جانب بیدادگاههای رژیم نداشتند و به اصطلاح جزو "ملی کش" ها بودند. رفیق مهرداد دستگیر به همراه رقتا خان باباپور، راستا و دیگر همزمان خود، ۶ سال پس از بازداشتشان در سال ۶۱ و بدون هیچگونه محاکمه ای در فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سیاه سال ۶۷ به جوخه های مرگ سپرده شد و در آذرماه وسایل او به خانواده اش تحویل داده شد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

خاطره ای از رفیق شهید رفعت محمدزاده (م. اخگر)

سربازی خوشبخت

از سپاه راه آزادی و عدالت



دلم می خواست همدمی در سلول داشته باشم و حالا با آمدن شما بسیار خوشحالم. او نیز گفت ۹ ماه در انفرادی بسر برده و نه کسی را دیده و نه از چیزی اطلاع دارد. فهمیدم مانند دیگر اعضای کمیته مرکزی در انفرادی محض یا مراقبت ویژه نگهداری می شده و از هیچ کس و هیچ چیز خبر ندارد. چند روزی گذشت. صمیمی شدم. محبت، خونگرمی و مهربانیش به دلم نشست. از وضعیت خودم گفتم و او نیز از بازجویی هایش جسته و گریخته برام صحبت کرد. راجع به دستش پرسیدم. توضیح داد بر اثر دستبند قهانی و آویزان کردن از سقف صدمه دیده و فلج شده است و ادامه داد به اتفاق رفیق جوانشیر ساعت های طولانی و به دفعات مکرر از سقف آویزان بوده و توضیح داد دستش به این دلیل فلج شده و همچنین مچ دست چپ رفیق جوانشیر نیز آسیب جدی دیده است. از مقاومت رفیق ذوالقدر و قلمبر برام تعریف می کرد و از شکنجه وحشیانه رقتا شلتوکی و آوانسیان سخن می گفت و نگران سلامت رقتا قزلقی و حاتم ی بود.

روزی حین صحبت پرسیدم رفیق اخگر در شرایط زندان اغلب به چه می اندیشی که پاسخ

تابستان سال ۶۳. سه ماهی می شد که از بند ۳۰۰۰ به "اوین" منتقل شده بودم. دو ماه آن را در بند عمومی در اتاق های درسته با دیگران بسر برده بودم و حالا یک ماهی می شد که به دلایلی نامعلوم دوباره به سلول انفرادی بند ۲۰۹ "اوین" انتقال یافته بودم. در سلول های همجواری، زندانیان دونفره با هم بودند و خیلی دلم می خواست تنها نباشم و آرزو می کردم یک نفر هم به سلول من بیاورند. یک روز صبح در سلول باز شد. به رسم سلول های انفرادی رو به دیوار ایستادم تا بیرون را ببینم، صدای پاسدار مسعول بند به گوشم رسید:

این یکی را بیار این سلول! از شادی در پوست خود نمی گنجیدم. آرزویم برآورده می شد. دونفره می شدم. در سلول بسته شد. رو از دیوار برگرداندم. پیرمردی لاغر و نحیف رویوم ایستاده بود. سلامی رد و بدل شد. یکدیگر را در آغوش گرفتیم. دست سمت چپش لمس شده بود و آن را به سختی حرکت می داد. خود را معرفی کردم و او نیز خود را معرفی کرد. رفیق رفعت محمدزاده (اخگر) بود. تازه از کمیته مشترک به "اوین" انتقال داده شده بود. به او گفتم چقدر

گفت: " به هر آنچه زیبایست. به زندگی. به فرازونشیب آن. به انسانها. به تکاپوی سکون ناپذیر تاریخ. به گذشته فکر می کنم و به آینده می نگریم. به خود و سالیان زندگی فکرم می کشم. به سرنوشت خود و دیگر رقتا می اندیشم. ما اعدام خواهیم شد. باور کنید رفیق... من از مرگ نمی ترسم و از گذشته و سرنوشت خود پشیمان نیستم. راه درستی را انتخاب و طی کرده ام. و خوشبختم که سربازی از سپاه مبارزان راه آزادی و عدالت بوده ام..." و اشک در چشمانش حلقه زده بود. به خود می گفتم این است زندگی پر معنا، باشکوه و زیبا.

مواضع اسرائیل در ...

راه را بر چیرگی بر بحران از طریق بهره جویی از وسایل سیاسی ببندد و تب بحران را همچنان داغ تر کند، زیرا بحران خلیج فارس زمینه تفرقه و چند پارچگی در بین کشورها و دولت های عرب را فراهم آورد، افکار عمومی را از مسئله فلسطین، به عنوان حلقه اصلی بحران خاور نزدیک و پیامدهای سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه اسرائیل، از جمله اشغال سرزمین های عربی منحرف ساخت، موقعیت سازمان آزادیبخش فلسطین در محدوده و زمینه های معین تضعیف گردید.

دولت اسرائیل هرگونه کاهش تشنج و فروکش وخامت اوضاع در منطقه را به زیان منافع خود می داند. این واقعیتی است که مواضع و شیوه عملکرد اسرائیل در جریان بحران اخیر بر آن گواهی می دهد. بیان نمونه های مشخص برای درک همه جانبه موضوع و ماهیت سیاست اسرائیل ضرور است.

نمونه اول، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا بیاری متحدانش تحریم اقتصادی عراق برپایه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را حتی به محاصره تمام عیار نظامی تبدیل می کند، ولی چون ژرفش بحران به رویارویی نظامی نمی انجامد، رژیم اسرائیل دست به تحریکات گوناگون می زند. مثلاً، به نوشته روزنامه "انترنشنال هرالدریپون" (۲۸ اوت ۹۰)، "مقامات اسرائیلی می گویند که گزارشات سازمان اطلاعاتشان بیانگر آن است که اردن به برنامه های همکاری نظامی با عراق ادامه می دهد، در حالی که مواد غذایی و دیگر کالاهای اساسی از طریق ین برای عراق فرستاده می شود... مواضع عراق در کار تامین و تدارک آن کشور در پی تحریم بازرگانی به هیچ وجه تضعیف نشده است."

منابع اسرائیلی همچنین می گویند که "نیروی هوایی اردن روزانه مأموریت های شناسایی در طول مرزهای اردن با عربستان سعودی و اسرائیل انجام می دهند و اطلاعات خود را به عراق می رسانند".
دربی به حالت آماده باش درآمدن ارتش اردن... اسحاق شامیر، نخست وزیر اسرائیل، به "شدیدالحن ترین وجهی به ملک حسین هشدار داد. او گفت:

"موضع پادشاه اردن برخلاف منافع اسرائیل است و امنیت اسرائیل را تهدید می کند و به ادامه حیات حکومت پادشاه اردن کمک نمی رساند" (همانجا).

بدینسان، دولت اسرائیل در واقعیت امر، اولاً، به واشنگتن و متحدانش و نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد هشدار می دهد که اقدامات شما تأییری بر زندگی اقتصادی عراق برجای نگذاشته و باید فشارها و محدودیت های اعمال شده بر عراق تشدید گردد. هدف سیاست اسرائیل آنست که شرایط را برای واکنش های ناسنجیده عراق و تشدید وخامت اوضاع فراهم سازد.

چرا ژنرال آمریکایی را کنار گذاشتند؟

می گویند سیاست شوخی بردار نیست و در عرصه سیاسی قبل از هرچیز باید دید چه مسائلی را می توان بازگو کرد و در کجا زبان باید "اندر حکم" باشد و لام تا کام سخن نکفت. ژنرال مایکل دوگان، رئیس ستاد نیروی هوایی آمریکا، این اصل را نادیده گرفت و قربانی شد. روزنامه "واشنگتن پست" سخنان وی را چنین نقل کرد:

اگر جنگ آغاز شود (منظورش جنگ با عراق است) پنتاگون در سطحی گسترده به وارد آوردن ضربات هوایی اقدام خواهد کرد. این انتخاب عملی ایالات متحده آمریکاست. این سخنان، آخرین سخنان ژنرال دوگان در مقام پیشگفته بود که کاخ سفید را به لرزه درآورد. سخنگویان کاخ سفید و وزارت امورخارجه با شتاب اعلام کردند: سخنان دوگان بازتاب نظرات اصلی ژنرالها نیست و مکانیسم اتخاذ تصمیم در ایالات متحده آمریکا از جانب "پنتاگون" کنترل نمی شود.

دوگان در مصاحبه با خبرنگار "واشنگتن پست" صریحاً گفت:

آری، ما نقشه "بی سر" کردن رهبری عالی عراق را آماده کرده ایم و برآنیم که صدام حسین و نزدیکان وی را هدف نزدیک خود قرار دهیم. افزون براین، او به عنوان عضو کمیته مشترک روسای ستاد، تعداد هواپیماهای جنگنده آمریکا در منطقه خلیج فارس را که "پنتاگون" مخفی می کرد اعلام داشت.

روزنامه "نیویورک تایمز" به نقل از یکی از مشاوران بوش که حاضر نشده است نامش افشاء گردد، می نویسد:

"در واشنگتن، در دوران بحران هیچ کس جز رئیس جمهور حق ندارد درباره امکانات سخن بگوید. چنین به نظر می آید کسی این حقیقت را به دوگان نگفته بوده است."

ژنرال دوگان فراموش کرده بود که در آمریکا همه چیز را نمی توان با مردم درمیان گذارد، گرچه تصمیمات پشت پرده با سرنوشت همان مردم پیوند دارد.

ثانیا، پای کشورهای دیگر را نیز به بحران بکشاند که هم لبه تیز حمله تنها متوجه عراق نباشد و همچنین تشدید اختلاف بین دولت های عربی، زمینه ای برای تبادل نظر و همکاری میان اعراب به منظور دستیابی به یک راه حل معقول و اصولی فراهم نشود.

نمونه دوم - در شرایطی که تلاش های سازمان ملل متحد در چارچوب قطعنامه های شورای امنیت برای حل و فصل مسائل بفرنج این بحران از طریق سیاسی گسترش می یابد، اسرائیل با این روند به مخالفت برمی خیزد و با سیاست خود می کوشد حضور نظامی آمریکا و متحدانش در خلیج فارس و نیز اهداف و توطئه های رنگارنگ آنها علیه خلق های منطقه را مسخ کند. اسرائیل آشکارا نشان می دهد که منافع خود را در گرو تشدید حضور نظامی ایالات متحده و متحدانش و رویارویی و درگیری نظامی می بیند. در این رابطه، به موضع گیری زمامداران و روزنامه های اسرائیل توجه کنید:

برای برانگیختن هراس غرب از بنیه نظامی عراق است که نه مان، یکی از وزرای کابینه شامیر در هفته های اخیر یکبارہ ادعا می کند که عراق حداقل طی سه سال آینده به جنگ افزار اتمی دست خواهد یافت. او در این رابطه گفت که با توجه به اطلاعاتی که در اختیار دارد، بر خلاف تصور غرب، ساختن جنگ افزار هسته ای در عراق با کندی پیش نمی رود.

موشه آرن، وزیر دفاع اسرائیل، در یک برنامه تلویزیونی می گوید که "اگر صدام حسین برسر قدرت باقی بماند و سلاح ها همچنان حفظ شود، در منطقه و سراسر جهان،

زمینه ای برای نگرانی وجود دارد. من امیدوارم که پایان بحران از این راه نباشد."

سلمان شوال، سفیر اسرائیل در ایالات متحده هم می گوید:

"اگر صدام حسین برسرکاریهای بماند سراسر خاورمیانه و بویژه اسرائیل در معرض یک خطر بزرگ قرار خواهد گرفت."

سرمقاله نویس روزنامه "یدیوت آروتوت" می نویسد:

"درواقع، میانگیری موقعت آمیز بحران هراس برانگیز است... به خاطر آنکه یک سازش دیپلماتیک برای حل بحران کویت، ماشین جنگی عراق را دست نخورده باقی می گذارد و موجب عقب نشینی نیروهای آمریکایی از منطقه می شود و این به معنای آن است که ما در اینجا با صدام و جاه طلبی های دیوانه وارش تنها می مانیم" (انترنشنال هرالدریپون ۲۹ اوت ۹۰).

بنابراین، برای آنکه اسرائیل در برابر "صدام و جاه طلبی های دیوانه وارش" تنها نماند و همچنین "سازش دیپلماتیک" صورت نگیرد و عراق به یک قدرت نظامی تبدیل نشود، محافل حاکمه اسرائیل، امپریالیسم آمریکا و متحدانش را فرا می خوانند که هم امروز باید ضربه ای کاری و در هم شکننده بر ماشین جنگی عراق وارد سازند. اسرائیل می خواهد با یاری هم پیمانان استراتژیکیش، برای خود به معنای واقعی کلمه یک قرقگاه ایجاد کند و موقعیت برتر نظامی خود را به عنوان یک کشور دارای جنگ افزار اتمی، از هرجهت تحکیم کند و تغییر کیفی در توازن نیروها به سود خود در منطقه بوجود آورد.

نیازهای اسرای ...

نیستند اسیرانی که در نتیجه شکنجه و شرایط بد زیستی از جمله محرومیت از خدمات بهداشتی و درمانی و سوء تغذیه به معلول تمام عیار تبدیل شده اند.

همچنین واقعیت آن است که هم رژیم صدام و هم رژیم جمهوری اسلامی با نادیده انگاشتن ابتدائی ترین موازین حقوق بشر، در جهنم اردوگاههای خود شخصیت انسانی اسیران را پایمال می ساخته اند تا از آنها در راستای هدفهای سیاسی خود حداکثر بهره برداری را به عمل آورند. رژیم عراق همانند رژیم ایران با ایجاد محیط رعب و وحشت و به کار گرفتن امکانات گسترده تبلیغاتی در طی این سالها تلاش ورزیده است که اسیران را شستشوی مغز کند. حال آن گروه از اسیرانی که به اشکال و درجات گوناگون قربانی این بهره برداری شده اند و تحت تاثیر عوامل مختلف به کشور بازگشته اند یا بازگردانده شده اند، احساس کوچکترین آرامش و امنیتی نمی کنند و زندگی خود را در خطر می بینند. بویژه که بلافاصله با تظاهراتی از حکومت ترور و خفتان حاکم یعنی بازجویی های مفصل چند روزه، پس از انتقال به ایران رویرو شده اند.

حال اسیران بازگشته اند و برای سروسامان دادن به زندگی خود کار می خواهند، خانه می خواهند، امکان تحصیل می خواهند، خواهان برخورداری از خدمات درمانی و بهداشتی هستند و در یک کلام خواست های کوچک و بزرگ متنوعی دارند که با توجه به شرایط روحی سخت حساسشان باید پاسخ شایسته و درخور خود را بیابند. چون مثلا دانش آموزی که سالها پیش با هزار فریب و دروغ به جبهه جنگ کشیده شده و به اسارت درآمده، امروز پس از چندین سال اسارت دیگر نمی تواند در کنار همکلاسی های سابق خود بنشیند و یا کارگری که توانائی کاری خود را در اردوگاهها از دست داده، اگر به فرض محال کار سابقش هم محفوظ مانده باشد، چگونه می تواند کنار همکارانش سرگرم کار شود؟ یا تصور کنید اسیر به ثبت نرسیده ای که خانواده اش او را مرده قلمداد کرده اند و زندگی خویش را بدون احتساب عضو دریند خانواده شان بر روالی تازه بنیان گذارده اند، حال با بازگشت عزیز دریندشان با چه مسائل بغرنجی رویرو می شوند.

برای گشایش همه گره های مربوط به زندگی اسرا باید چاره اندیشی شود. باید با دلسوزی و احساس مسئولیت عمیق برای حل مسائل معیشتی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی اسرای آزاد شده اقدام گردد.

در چنین شرایط دشواری از زندگی اسرای آزاد شده، مسئولان رژیم تلاش می ورزند با انواع فریبکاریها و حتی تعریف و تمجیدهای بی پشتوانه از آزادشدگان، انتظارات بحق معنوی و مادی آنها را بی پاسخ گذارند. برای نمونه در حالیکه آقای رفسنجانی در جمعی از اسرای آزاد شده آنها را واقف ترین و مؤمن ترین نیروهای جامعه می نامد، همزمان از زبان فردی بنام ابوترابی این مفهوم القاء می شود که:

"ما خود را طلب کار نمی دانیم، بلکه در مقابل خانواده معظم شهدا سرافکنده ایم. ما بار دیگر اعلام می کنیم که برای جبران کمبودها باز نکشته ایم، بلکه آمده ایم تا در ادامه راه امامان که همان اهداف شهدا را تشکیل می دهد گام برداریم."

اسیران از بند رسته!

برخورد رژیم پاشما به روشنی نمایانگر آن است که وضعیت دشوار روحی و مسائل بغرنج شما را درک نمی کند و دراین رابطه قاعد هرگونه برنامه است. دادن مثنی وعده و وعید برای رسیدگی به حال "آزادگان"، کشاندن گروهی از شما به "پیشگاه رهبر معظم" به منظور "تجدید بیعت"، زیارت "مقبره امام راحل" و دیدار با دست اندرکاران بلندپایه کشور، گویی عمده ترین وظیفه ای است که سردمداران رژیم برای خود به رسمیت می شناسند. در عین حال، هرازگاهی نیز برکرسی خطابه می روند و به گونه ای به طوح مطالب می پردازند که گویی حل مضلات و مشکلات شما در درجه اول بر عهده خانواده هایتان است. این شیوه برخورد جز به یازی گرفتن سرنوشت شما معنا و مفهومی ندارد. در اینکه خانواده ها می توانند در محدوده معینی به حل برخی مشکلات عزیزان خود کمک کنند، شکی نیست ولی حرف برسرآن است که خانواده ها به تنهائی نمی توانند انجام وظایف دولت را به عهده بگیرند. اگر دولت به وظایف خود عمل نکند یعنی برای سداوای آسیب های جسمی و روحی و برطرف کردن نیازهای انسانی شما برنامه ریزی و سرمایه گذاری نکند، زندگی شما با مصائبی دشوارتر رویرو خواهد شد. نباید به رژیم اجازه داد چنین سرنوشتی را به تحمیل کند.

ضرب و شتم

کارگران شیشه و گاز

توسط حراست بنیاد مستضعفان؟!

هفته نامه "کار و کارگر" در شماره ۱۳ شهریور ماه خود می نویسد:

یکی از اعضای کانون شوراهای اسلامی کار کارخانجات محور جاده قدیم کرج با مراجعه به دفتر کار و کارگر اظهار داشت:

در یکی از شرکت های جاده قدیم کرج به نام شرکت شیشه و گاز اخیرا شنیده شده که مدیریت آن شرکت اعلامیه ای نصب نموده مبنی براینکه کارگران برای استفاده از مرخصی قانونی بایستی ۲۴ ساعت قبل مراتب را به شرکت اطلاع دهند که این موضوع مورد اعتراض کارکنان قرار می گیرد چرا که وضع بهداشت و درمان خصوصا در شرایط کنونی مشخص نمی کند که چه موقع برای اشخاص حادثه اتفاق می افتد و یا اینکه فرزندش بیمار می شود و یا اینکه چه وقت همسرش وضع حمل می کند و کارگر نمی تواند ۲۴ ساعت قبل از این مسائل اطلاع داشته باشد.

براین اساس کارگران جهت شنیدن توضیحات مدیریت جمع شدند که با کمال تأسف در تاریخ ۶۹/۵/۲۱ با درخواست مدیریت شرکت، تعدادی از افراد حراست بنیاد مستضعفان و جانبازان به شرکت مراجعه و شش نفر از کارگران را دستگیر و در محلی مورد ضرب و شتم قرار می دهند. بطوری که برخی از این کارگران بر اثر شدت جراحات وارده به بیمارستان منتقل می شوند. همچنین طبق اطلاع، این کارگران را تحت فشار قرار می دهند و می گویند که باید اقرار کنید که رئیس شورای اسلامی کار شرکت مسبب اصلی تحریک و تجمع شما بوده است. به هر صورت با تهدید از آنها اقرار می گیرند این کارگران پس از بازگشت طی نامه ای به مراجع مختلف اعلام می کنند که این اقرار در اثر فشار بوده است. ولی با این حال مدیریت این موضوع را با شورا ارتباط می دهد و برخلاف قانون شوراهای اسلامی کار که اعلام می دارد تخلفات شوراها بایستی به هیئت موضوع ماده ۲۲ ارجاع گردد، راسا اقدام به اخراج مسئول و یکی از اعضای شورای اسلامی کار به نام آقایان اسماعیلی و جباری نموده است. وی ادامه می داد دراینجا سوال من به عنوان عضو کوچکی از شورای اسلامی کار این است که:

آیا مسئولین محترم نظام جمهوری اسلامی از این وقایع اطلاع دارند و آنها را تأیید می کنند؟

آیا جناب آقای رفیق دوست ریاست محترم بنیاد که نماینده مقام معظم رهبری در بنیاد هستند از این امر مطلع بوده و آن را تأیید می کنند؟

آیا مدیریت و پرسنل حراست اطلاع دارند که این کار آنها برخلاف قانون است؟

لذا از همین طریق از مقام معظم رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی و هیئت موضوع ماده ۲۲ کرج تقاضا داریم که به این امر خطیر که هم اکنون زبانزد تمامی کارگران شده جواب دهید. و همه کارگران در این فکرند که آیا بعد از این همه خدماتی که در نظام جمهوری اسلامی انجام داده اند ممکن است روزی آنها نیز اینگونه مورد ضرب و شتم قرار گیرند؟

اختیارات تام...

می خواهم بگویم؛ من با دقت سخنرانی های رفقا را گوش کردم و کوشیدم تا هر یک از شما را درک بکنم. می خواهم تاثیر جریان بحث را با شما در میان بگذارم. چنین به نظر می رسد که اصلاحات بنیادی اقتصادی خوشایند برخی ها نیست. آنها آن را پذیرا نیستند. حتما آنها واقفیت را هم پذیرا نیستند و حاضرند حتی اکنون در شرایط بسیار بفرنجی که انسانها در انتظار عمل، تغییر وضع هستند، طرق و دلایلی را برای اثبات ضرورت حفظ آنچه وجود داشت، پیدا کنند. نه، من متقدم که سمت گیری ما صحیح است.

دیگران برآند که ما زمان زیادی داریم. می توان صحبت کرد، اندیشید، آزمود، تجربه کرد و نظارت کرد و دید از این چه چیزی به دست خواهد آمد. نه، رفقا، حرف برسر آن است که ما وقت نداریم. روند ازم گسیختگی در اقتصاد و در اتحاد جریان دارد. زندگی به ما راه حل های قاطع، عمل و فعالیت دیکته می کند. رفیق سوخف وقتی به من نزدیک می شد به درستی گفت، میخائیل سرگیویچ، بعد از سخنرانی شما، در من این احساس بوجود آمد که مردم اکنون خواستار اقدامی از جانب شما هستند. چنین برمی آید، کسی چنان برنامه ویژه ای تهیه دیده تا انسانها را به وضعی دچار سازد که آماده باشند به همه چیز واز جمله بازار تن در دهند والی آخر. او، تقریباً این حرفها را به هنگام سخنرانی هم تکرار کرد. ما همیشه با رفیق سوخف تبادل نظر می کنیم. نظر وی برخاسته از تجربه زندگی و درک کارگری است که در نتیجه بحث های پارلمانی غنی تر شده است. همه اینها صحیح است. اما، رفقا، علاوه بر این، ما دیگر وقت نداریم، زیرا همه ما می بینیم انسانها در حال حاضر در چه وضعی هستند. باید این معضل را حل کرد و به هر تقدیر در حال پیشروی حل کرد.

من به آن تذکرات انتقادی بازگوشده به آدرس این یا آن برنامه، بویژه به آدرس برنامه ارائه شده از جانب ریاست جمهوری می پیوندم. اما، چنانکه قبل از آغاز بحث در اینجا گفتم، ما باید همیشه ویژگیهای کشور خود را احساس کنیم. رفقا این ویژگیها بسیار سترگ و قابل توجه هستند. نمی توان به آنها اعتنا نکرد. ما، باید دائماً در نظر داشته باشیم در چه زمینه ای و در کدام جامعه، گذار به بازار را آغاز می کنیم. این اقتصادی بسیار سنگین است. آیا می توان در شرایط چنین اقتصادی، به سادگی سیاست ساختاری به موقع اجراء گذارد؟ این فقط یک گوشه مسئله است. آیا سطح گوناگون رشد مناطق و جمهوری ها از جمله ویژگیها محسوب نمی شود؟ البته این هم ویژگی است. و یا معضلات اقتصادی انباشته شده؟ آنها واقعا وجود دارند. وقتی مردم مسئله گذار را مورد بحث قرار می دهند، این خود چرخش مهمی است، آنها می پرسند، این معضلات در ایام گذار و بعد از آن چگونه حل خواهد شد؟ این هم باید مورد نظر باشد.

بالاخره خصوصی کردن. بلافاصله پس از آنکه ما کلمه خصوصی کردن را بر زبان جاری می سازیم، در پاسخ می شنوم؛ می خواهید صاحب موسسه خصوصی و کاپیتالیسم بسار آورید. من چنین می اندیشم؛ خصوصی کردن به مفهوم عام یعنی تغییر مالک. در شرایط اقتصاد ما، این به معنای واگذاری حق مالکیت دولتی به مجتمع های کارگری، مردم و شهروندان جداگانه است. الان من نمی خواهم با رفیق بونیچ مجادله کنم. من با خیلی از آنچه وی گفت

موافق هستم. برنامه، هنوز این موضوع را بطور کامل بازنگریده است. منظور من مکانیسم خصوصی کردن، واگذاری حق تصاحب و مالکیت، مثلاً، از طریق بازخرید و غیره است. اما، من فکر می کنم، مالکیت توتال دولتی باید مالک خود را پیدا کند و در این مالک شوق و هوس زحمت کشیدن، استفاده موثر و سود بردن را برانگیزد. این است آنچه که ما باید انجام دهیم. در حکومت ما، با توجه به تاریخ و سن آن تعیین مشخص چگونگی خصوصی کردن اهمیت زیادی دارد. بنابراین وظیفه، نه ازین بردن مالکیت دولتی، بل پایان دادن به بی صاحبی مالکیت به مثابه جداکننده انسان از انگیزه و ازین برنده هوس کار در انسان است. این باز هم برخاسته از وضع ما و از ویژگی های ماست.

من باید بگویم؛ شما می توانید ۳۰ اجلاس هی شورای عالی تشکیل دهید، اما نخواهید توانست همه چیز را بنویسید و به همه پرسش ها پاسخ گوید. این تجربه جنبش برپایه اصول عام، اندیشه اساسی عام و اسلوب عام است که پاسخ خواهد داد. موضوع دیگری را هم می خواستم یادآور شوم. شاید کسی بیاندیشد؛ آنچه رئیس جمهور ارائه داشت بهترین برنامه است و کار را آسان خواهد کرد. به عقیده من، چنین ملاک ارزیابی برنامه های متنوع قابل پذیرش نمی تواند باشد. بیائید نه خود و نه مردم را که باور کردن به ما، به این شورای عالی، به این دولت، به این اداره کنندگان امور فرامی خوانیم و می خواهیم تا در این انتخاب بسیار مشکل و حل آن به ما کمک کنند، فریب ندهیم. گذار دشوار خواهد بود، مقیاس و تازگی کار نیز گواه بر این است. اصل، امروز کمتر دردآور کردن گذار بسیار دشوار است. زیرا، بویژه با منافع حیاتی مردم در اصطکاک است. باید لایه های گسترده جامعه را وارد این روند کرد و بهترین نقشه شرکت آنها را تهیه دید تا همه آگاهانه به استقبال مشکلات بروند. به دیگر سخن، مرحله آغاز یعنی ورود به بازار لازم است، خود بازار طی ۵ تا ۱۰ سال کاملاً شکل می گیرد. بازار بوجود خواهد آمد و بعداً شکل خواهد گرفت. روند ورود به بازار نیازمند مکانیسم هائی برای مقابله با هر نوع کژروی ممکن از سوئی و از سوی دیگر تامین رژیم گذار است. اگر ما ورود به بازار را طولانی کنیم، این روند را بسیار دردآور خواهیم کرد. با این وجود، برای ورود به بازار زمان لازم است تا روند پیش روی و مکانیسم بازار عمل کند و گسترش یابد.

شورای عالی طیف وسیعی از نظرات را عرضه کرد، مجموعه ای از مسائل مربوط به گذار به بازار را همه جانبه بررسی کرد. اما کار هنوز پایان نیافته است. طی بحث ها به درستی روی انطباق نظرات پیرامون حل معضل مرحله گذار، تکیه شد. در عین حال، چنانکه از اظهارات شما درک کرده ام، هیچ یک از طرحها، بطور قطعی نمی تواند پذیرفته شود. این هم روشن است. هیچ کدام از طرحها. آیا این یک فاجعه است؟ نه. به نظر من، وجود طرح های جایگزین و اطلاعات زیاد به نفس خوب است. زیرا نظرات شما براساس اطلاعات بسیار شکل گرفت. طرح های ارائه شده از جانب رئیس جمهور، دولت و نیز پیشنهاد های اساسی و مهم نمایندگان و کمیته ها امکان بروز نظر زیرین را می دهد.

طرح واحدی برپایه طرح ارائه شده از جانب رئیس جمهور تهیه کرد. در عین حال آن را با نظرات مطروحه در برنامه دولت هرچه بیشتر غنی ساخت. خیلی از رفقا در این باره سخن گفتند.

فکر می کنم، همه اینها صحیح است، بویژه اینکه ما علاوه بر آنچه گفته شد، ماتریال های زیادی از جمهوری ها دریافت خواهیم کرد. دپروژ نمایندگان

جمهوری ها از صبح تا تقریباً ۱۰ شب در جلسه دتر سیاسی درباره این مسئله فراگیر بحث کردند. با توجه به جریان روندها در جمهوری ها اطلاعات زیادی در اختیار شورای عالی قرار خواهد گرفت. بدینسان مجموعه اینها امکان خواهد داد تا بالاخره به سند واحدی دست یابیم و انتخاب لازم را بکنیم.

رفقا، ما باید بدون آنکه منتظر به تصویب رسیدن طرح باشیم، حرکت و عمل کنیم. نمایندگان به حق اجرای برنامه گذار به بازار را با سرنوشت حکومت کثیرالملله ما و آینده آن پیوند می دهند. ما، باید دائماً در این باره بیاندیشیم، بویژه در ارتباط با قرارداد اتحاد.

اعلامیه های با حرارت و مطمئن - بگذار آنانی که در طرح آنها شرکت داشتند آزرده خاطر نشوند - در مجموع خود نیروی محرکه پرتوان برای روند آتی تحولات در حکومت کثیرالملله ماست. اما اعلامیه ها پایان یافت، زندگی آغاز شد. و من می بینم چگونه به هنگام تصحیح برنامه گذار به بازار، به هنگام بحث درباره دیگر مسائل، این منظره در مقابل دیدگان ترسیم می شد؛ انسانها واقفیت را می بینند، مشاهده می کنند چگونه ما می توانیم از وضع پیش آمده خلاص شویم و به پیش حرکت کنیم. هستند افرادی که مواضع ناستنچیده از لحاظ اقتصادی، سیاسی و انسانی اعلام کردند. خوب، در اینجا دوستیانی از ملداوی نشسته اند. با برخی از آنها من توانستم صحبت کنم. کژروها، اشتباه در سیاست به جانی کشیده که اکنون تمامیت این جمهوری در مجموع خود یکپارچه، پویا، همپیوند و دارای ارتباط متقابل به مخاطره افتاده است. در ملداوی تحت تاثیر بیانییه مصوب که در آن اعلام نشده بود این جمهوری در ترکیب اتحاد شوروی باقی می ماند و به جای آن از همبستگی و غیره سخن می رفت، روند تزلزل و تشدید نگرانی و ناراحتی آغاز گردید. در آن ایام من در کریمه بودم و تلگرام های زیادی دریافت کردم. من در برابر شما و همه کشور با اعتقاد کامل می گویم؛ این انتخاب هلاکت بار است. بردارید مثلاً، مسئله دفاع ما را، آیا ما باید ۱۵ دولت هسته ای به جهان عرضه داریم؟ چنین عملی می تواند جامعه بشری را به لرزه درآورد. ما، در راه صحیح ایجاد تحول در کلیه عرصه های جامعه خود هستیم. اما، باید به هنگام این تحول مرزی را که گذار از آن جبران ناپذیر خواهد بود، مشاهده کنیم. به همین سبب باردیگر می گویم؛ آری، من به اتحاد رای می دهم. اتحاد دولت های مستقل که باهم همکاری می کنند، دارای اختیارات معین دقیق هستند، مرکز و جمهوری های فعال و موثر. ما نمی توانیم پاسخ را در افراط و تفریط بیکاری کنیم.

مسئله دیگر، گذار به بازار با ثبات سیاسی در جامعه با عملکرد ارگان های حاکمیت و اداری پیوند مستقیم دارد. من برآن بودم و هستم که طرح مسئله بدین طریق مستند است. ما باید نظر متزلزل ساختن سیستم حاکمیت و اداری را از هرجائی که سرچشمه گیرد قاطعانه رد کنیم. من بطور قطع علیه این گونه اسلوب هستم. با این همه وضع موجود و گذار به بازار، مسئله تصحیح مکانیسم های حاکمیت و اداری را ضرور می سازد. ما دارای همه گونه ساختار برای گذراندن این روند از چارچوب فرهنگ سیاسی هستیم و می توانیم همه مسائل را با مسئولیت تام حل کنیم. ما باید بدون وقفه درباره همه چیز بیاندیشیم. همه اینها را می توان حل کرد. من می خواستم در مرحله تعیین کننده، یعنی فقط مرحله نخست، این کار تمیق شود و انسجام صورت گیرد. به نظر من، مردم درست از چنین روشی حمایت می کنند. مردم هنوز از ما انتظار حرکت واقعی در راه ایجاد ثبات در جامعه و بویژه در عرصه اجتماعی - اقتصادی را دارند.

کنگره حزب سوسیالیست بلغارستان

شش ماه پس از تصویب مانیفست سوسیالیسم دموکراتیک و تغییر نام حزب کمونیست به حزب سوسیالیست بلغارستان، تحولات زیادی در کشور روی داده است. حزب از انحصار حاکمیت دست برداشت و در حال حاضر در شرایط پلورالیسم سیاسی عمل می کند. حزب همچنین اصل مرکزیت - دموکراتیک را کنار گذاشت، سازمان های حزبی در محل کار را از بین برد و باشگاه های حزبی براساس منافع ایجاد گردید.

باید خاطر نشان ساخت که درنخستین انتخابات آزاد، حزب سوسیالیست ۲۱۱ کرسی از ۴۰۰ کرسی در پارلمان را به دست آورد و دولت حزبی را تشکیل داد. اما، حزب نتوانست برنامه اقتصادی موثری را به موقع اجرا بگذارد و خواست بیش از ۳ میلیون رای دهندگان را برآورده سازد. وضع در بلغارستان بفرج است.

درچنین شرایطی حزب کنگره خود را تشکیل داد. ۸۶۰ هزار نفر عضو حزب انتظار دارند تا کنگره تحول همه جانبه در کشور بوجود آورد. قبل از تشکیل کنگره، بحث پیرامون اینکه "چگونه حزبی برای ما لازم است"، سازمان داده شد. طرح کارپایه ادامه نوسازی و تجدید حیات حزب سوسیالیست بلغارستان به منظور تبدیل آن به حزب سوسیالیسم دموکراتیک معاصر، مضمون اصلی کارپایه را تشکیل می دهد.

آیا تغییر نام حزب به معنای رد جهان بینی بود؟ رهبران حزب برآنند که چنین نظری ناصحیح است. حزب به آرمان های سوسیالیستی صادق مانده است. اما، در کارپایه صریحا گفته می شود نگرش حزب به مارکسیسم - لنینیسم نمی تواند همانند گذشته باشد. به عقیده حزب، بخشی از تحلیل ها و نتایج مارکسیسم از لحاظ تاریخی کهنه شده و نیاز مبرم به برخورد خلاق به قصد نوسازی تئوری دارد.

بحث های قبل از کنگره نشان داد که در درون حزب نظر واحد در برخورد به ماهیت حزب ... وجود ندارد. مثلا، "گروه رادیکال" اعلام داشت که مخالف سرسخت موضع رهبری شورای عالی حزب پیرامون تبدیل آن به حزب مارکسیستی از نوع چپ است.

اتحاد سوسیالیستی، آلترناتیو یکی از "باشگاه های" حزبی، در کنفرانس قبل از کنگره تزهایی را منتشر ساخت که در آنها از جمله گفته می شد: "... یگانه راه تضمین گذارمسالمت آمیز به دموکراسی و ثبات اجتماعی در بلغارستان عبارتست از خودآگاهی حزب سوسیالیست بلغارستان به مثابه ائتلاف نیروهای گوناگون چپ".

جنبش "دموس" متشکل از چند کارپایه در درون حزب، سند سیاسی ویژه ای را برای ارائه به کنگره تنظیم کرده است. صدر جنبش "راه به اروپا" در کنفرانس قبل از کنگره خاطر نشان ساخت که

"مردم امروز ذینفع هستند که بدانند، آیا نان و سوخت و برق خواهد بود؟ اگر ما خواهان کنگره واقعی هستیم نه آئین ها و تئوریه ها، در اینصورت مسائل زندگی مردم باید در مرکز توجه آن باشد.

قبل از کنگره بحث داغی درباره تعداد اعضا، حزب جریان داشت. در ماه ژوئیه سال جاری میلادی، تعداد اعضای حزب بیش از یک میلیون نفر بود. از آن ایام تاکنون ۱۴۰ هزارتن صفوف حزب را ترک کرده اند.

برخی ها می پرسند، آیا حزب میلیون نفری لزومی دارد؟ به نظر آنان وجود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزارتن عضو مبارز و ممتد برای حزب کافی است. مخالفان این نظر حزب میلیونی را بهترین راه جمع آوری رای مردم در انتخابات می دانند.

حزب با رد مرکزیت - دموکراتیک و عدم توانایی ایجاد ساختار کاری به جای آن، عملا قادر به سازمان دادن فعالیت متقابل و وحدت دموکراتیک سازمان های منفرد نیست. در چنین اوضاع و احوالی کنگره حزب آغاز به کار کرد.

در کنگره مسائل عهده ای از جمله معضل جوانان و کادرها ... مورد بحث است. اکنون دیگر روشن شده که کنگره خصلت سیاسی دارد، یعنی نه تئوری و آئین ها بلکه مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در مرکز توجه نمایندگان قرار دارد. در گزارش به کنگره صریحا از خطر آئین پرستی و پوپولیسم و پرهیز از سفسطه جوئی سخن می رود. مردم نه درباره فلسفه و ایدئولوژی، بلکه شرایط سخت زندگی سخن می گویند و بزرگترین حزب کشور نیز باید در این باره بیاندهد.

نمایندگان کنگره خواهان تدوین استراتژی و تاکتیک برون رفت از بحران اقتصادی هستند. سخنرانی های احساساتی بیماری اقتصادی را علاج نمی کند. مفازه ها خالی هستند، صف های چند کیلومتری، گردهمایی ها و اعتصاب ها، تظاهرات و "فرارمقزها"، از ویژگی های مرحله کنونی است. بیکاری رویه تشدید است. سطح زندگی به سرعت پائین می رود. وخامت اجتماعی تشدید می گردد.

شرکت کنندگان در کنگره راه خروج را در اصلاحات بنیادین و گذار به اقتصاد بازار می بینند. وجود برنامه دقیق و حساب شده برپایه دستاوردهای علم و فن ضرورت دارد. آنها پرسش های زیادی را در زمینه نوسازی و سالم سازی حزب مطرح می کنند، در اعماق سازمانها چه می گذرد و روحیه اعضای حزب چگونه است؟ چرا حزب در تصفیه صفوف خود از عناصر مترزلز و دوستان نیمه راه دست به عصاره می رود؟ به چه علت روند اصلاحات در حزب متوقف شد؟

آینده نزدیک نشان خواهد داد که آیا حزب سوسیالیست بلغارستان خواهد توانست بر مشکلات عهده فائق آید و انسجام خود را حفظ کند؟

فستیوال "اوتتیا" پایان یافت

بعد از سه هفته فستیوال سنتی روزنامه "اوتتیا"، ارگان حزب کمونیست ایتالیا، با یک گردهمایی ۱۰۰ هزار نفری پایان یافت. در روزهای فستیوال، حزب کمونیست ایتالیا امکان یافت تا بلافاصله با صدها هزارتن از زحمتکشان پیوند برقرار کند. افزون براین، در فستیوال مبالغ هنگفتی کمک مالی جهت کمک به روزنامه ارگان جمع آوری شد.

اوتتو، دبیرکل حزب، در گردهمایی پایانی، سخنرانی جامعی ایراد کرد. وی در تشریح وضع اقتصادی کشور گفت که شیخ رکود اقتصادی، از دست دادن محل کار در خانه هزاران خانواده ایتالیایی در حرکت است. به گفته وی، البته حرف برسر نخستین علامت رکود است. اما، خطر واقعی و جدی است. مسائل نوین مبارزه در راه منافع زحمتکشان خواهان "دموکراسی نوین صنعتی" است که تجدید حیات دموکراسی اتحادیه کارگری سنگپایه آن را تشکیل می دهد. حزب کمونیست ایتالیا معتقد به دست برداری از وجود گروه بندی های حزبی در اتحادیه های کارگری است.

دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا روی خودسری ها و جناحی کاری های سازمان داده شده و پیوند مافیا با جهان سیاسی تکیه کرد. سخنران ضمن صحبت پیرامون شرکت شهروندان در امور دولتی، بویژه اظهار داشت: "احزاب نباید حق شهروندان را درباره اتخاذ تصمیم از آنها سلب کنند. شهروندان باید با نهادهای دولتی مزوج شوند".

اوتتو خاطر نشان ساخت که نیروهای چپ ایتالیا به وحدت نیاز دارند. حزب کمونیست ایتالیا "به آرمان های آزادی، برابری، همبستگی، آرمان های سوسیالیسم که باید انسانی و دموکراتیک باشد صادق است".

تصحیح و پوزش

در شماره ۳۳۰ "نامه مردم" در صفحه اول زیر عنوان "برگزاری نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران" اکثریت (سطر آخر) جمله زیر جا افتاده است که بدین وسیله تصحیح می شود: "... که از جمله بررسی و تصویب تزهایی پیرامون سمت گیری برنامه ای هویت سازمان، تعیین خط مشی و برنامه سیاسی و بررسی عملکرد گذشته بود. کنگره تصویب کرد که ظرف مدت یکسال آینده کنگره دوم سازمان برگزار گردد..."

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 331

October 2 1990

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

نامه مردم

بها : ۲۰ ریال